اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره نهم

روزنامه‌الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانون‌گذاری‌های استانی

۲۲ فروردین ۱۴۰۵
۲۲ شوال ۱۴۴۷
۱۱ آوریل ۲۰۲۶
شماره نهم

بسم الله الرحمن الرحیم

... فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

... پس هر کس بر شما تعدّی کَرد، همان گونه که بر شما تعدّیَ کَرده، بر او تعدّی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقواپیشگان است

بخشی از آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره

سیدشهاب ارکیان
عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

یک ماه از تجاوز دوم دشمن آمریکایی-صهیونی به مهین عزیزمان می‌گذرد. واژه سه حرفی «جنگ» جان‌های عزیز و سرمایه‌های ارزشمندی را از ما گرفته و زندگی کودکان و انسان‌هایی را که تنها رؤیای زیستن داشتند، نابود کرده است، داغ دخترکان مدرسه شجره طیبه میناب، هیچگاه بر دل‌های ما سرد نخواهد شد. در حالی که غیر نظامیان و اماکن غیر نظامی از هجوم و جنگ مستثنی هستند، در جنگ رمضان، چندین دانشگاه و مرکز آموزشی و تحقیقاتی مورد حمله وحشیانه، غیرانسانی و جنایتکارانه دشمن قرار گرفتند. در این روزها صدای نگرانی در دل بسیاری از خانه‌ها شنیده می‌شود و اضطراب همچون فشاری سنگین بر زندگی مردم سایه انداخته است.

در بزنگاه‌های تاریخ، گاه رنج انسان چنان آشکار و تکان‌دهنده می‌شود که هیچ نهاد فکری، فرهنگی یا علمی نمی‌تواند در برابر آن خاموش بماند. وقتی کودکان بی‌دفاع قربانی جنگی ناعادلانه و خشونت می‌شوند و انسان‌هایی که تنها رؤیای زیستن داشتند، ناگهان از جهان محو می‌گردند، پرسشی بنیادین پیش روی ما قرار می‌گیرد: «آیا نهاد علم، وجدان آگاه جامعه، مجاز است تماشاگر بماند؟». قطعا خیر. بر اساس کمیسیون‌ها و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی، این اقدامات رژیم صهیونیستی غیر قانونی است. این اقدام پلید و ضدبشری، بار دیگر ماهیت واقعی جبهه استکبار و دشمنان علم، پیشرفت، استقلال و عزت ملت ایران را آشکار ساخت؛ دشمنانی که از رشد علمی، بالندگی دانشگاه‌ها و پیشرفت جوانان این سرزمین بزرگ به هراس افتاده‌اند و بار دیگر کینه عمیق خود را نسبت به ملت مقاوم ایران نشان داده‌اند. تعرض به حریم دانشگاه، تعرض به حقیقت، انسانیت و آرمان‌های ملت‌هاست. البته سابقه رژیم صهیونی در مبارزه با حقیقت و ترور دانشمندان، به طول عمر پلید این رژیم برمی‌گردد. اگرچه، همه جای قلب و روحمان در عذاب است، اما با قلب هزارپاره از داغ شهیدانمان و با امید به برآمدن نور و سپیدی، متواضعانه در برابر عظمت سربازان ایران سر تعظیم فرود می‌آوریم و دستان شیرمردان ایرانی را در پشت لانچرها و پروازدهندگان پهپادها می‌بوسیم و با ایمان به وعده الهی برای پیروزی‌مان در این نبرد لحظه‌شماری می‌کنیم. برای همه آسیب‌دیدگان از این حوادث، آرزوی آرامش و سلامت می‌کنیم و به ارواح تابناک همه شهدا، به‌ویژه قائد شهید امت، درود می‌فرستیم.

تأکید می‌کنیم که حمله دشمن صهیونی-آمریکایی به ایران عزیز، با هر عنوان و هر پوششی، غیرقابل توجیه بوده، به‌شدت محکوم است و در این ارتباط همه همکاران خود را در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، به کنشگری اجتماعی فعال دعوت می‌کنیم.

این‌روزها، در میانه آتش و خون ناشی از تجاوز دشمن می‌توان عیارِ واقعی ملت بزرگ ایران را سنجید. ملت ایران، این پیام را از ژرفای روزگاران دریافته و بدان پایبند هستند که گذشته چند هزارساله، فرهنگ غنی و همچنین روحیه ایستادگی و امید پرورش یافته در مکتب ایران و اسلام، از رموز ماندگاری این ملت کهن و تاریخی است. جنگ نامتقارن رمضان، نبرد اراده‌ها است؛ به‌طورقطع، اراده غالب ملت ایران، منبعث از ایمان به خدا، باور راسخ به قدرت، آمادگی و اقتدار نیروهای مسلح در دفاع مشروع از کیان و تمامیت سرزمینی ایران و دفع تجاوز دشمن، عامل اساسی پیروزی او خواهد شد. شکل‌گیری حضور عالی مردم در خیابان‌ها و میادین شهرها و روستاها، با تمام وجود، حتی با همراهی فرزندان کوچک خود، باوجود صدها حمله دشمن متجاوز و تهدیدهای او، مبین این موضوع است. به جرأت می‌توان گفت در این میدان مردم از نخبگان پیشی گرفتند.

اما جنگ، تنها ویرانی نیست و روی دیگری هم دارد. فرصت‌های تربیتی نابی در دل جنگ رمضان نهفته است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

یکی از اهداف نظام‌های تعلیم‌وتربیت در جهان، تربیت شهروندان واجد ویژگی‌ها و توانمندی‌های متناسب با ارزش‌های جامعه است. تحقق این اهداف، علاوه بر ضرورت بهره‌مندی از مبانی نظری و فلسفی، درعمل نیازمند برنامه آموزشی مناسب، طراحی آموزشی و ایجاد موقعیت‌های یادگیری غنی است. شرایط کنونی دارای موقعیت‌های آموزشی و تربیتی غنی است که چنانچه به‌درستی شناسایی شود می‌تواند مورداستفاده فراوان قرار گیرد. در میانه جنگ و در شرایطی که کلاس‌های حضوری مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل شده است، و حتی پس از پایان این دوره، ضرورت دارد متولیان و برنامه‌ریزان نظام تعلیم‌وتربیت کشور با همراهی آموزشگران و خانواده‌ها، برنامه خاصی برای بهره‌مندی از موقعیت تربیتی ایجاد شده تدوین و اجرا نمایند. جنگ رمضان منبعی غنی برای تربیت سیاسی و اجتماعی نسل امروز و فردای ایران عزیز است. رخدادهایی مانند جنگ رمضان، می‌تواند در حافظه تاریخی جامعه ما به‌عنوان تجربه‌ای برای فهم پیوند میان هویت و مسئولیت جمعی موردتوجه قرار گیرد.

. مقاومت نه رفتار واکنشی، بلکه میدان تربیتی پیچیده‌ای است که به‌واسطه آن، نوجوانان و جوانان به فهم عمیق‌تری از توان خویش، رابطه با جمع، و معناهای بزرگ‌تر زیست انسانی دست می‌یابند. تفسیر آموزش پژوهانه این تجربه‌ها می‌تواند الهام‌بخش طراحی برنامه‌های تربیتی باشد که بر تقویت روحیه همدلی، سازگاری، مسئولیت‌پذیری، توکل به خدا در شرایط حساس، همبستگی و توان تحلیل موقعیت استوار است. اگر تاب‌آوری اجتماعی را به معنای توانایی یک جامعه برای مقاومت، سازگاری و بازیابی خود در برابر ضربه‌ها و فشارهای روانی ناشی از بحران‌هایی مثل بلایای طبیعی، جنگ و ... در نظر بگیریم، می‌توان پذیرفت که در شرایط کنونی به‌خوبی می‌توان تاب‌آوری اجتماعی را از طریق تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی، تمرین کرد و به فراگیران کمک کرد تا این استرس‌ها و فشارها را بهتر مدیریت کنند و به‌این‌ترتیب استحکام جامعه را در برابر بحران‌ها افزایش داد. امروز فرصتی مناسب برای آموزش عملی چگونگی مدیریت منابع و زیرساخت‌ها است. درس امروز ما، درک این حقیقت است که پایداری جامعه، تابعی از وحدت، خودباوری و امید به آینده است. امروز فرصت مغتنمی برای معرفی الگوهای حقیقی به فرزندان ایران است تا به الگوهای جعلی دل نبندند. آموزگاران ما، امانت‌دارانِ بزرگِ این حقیقت هستند که هویت و تاروپودِ هر یک از ما، وطنمان (ایران جان) است، ما بی ایران هیچیم.

تمدن ایرانی به‌عنوان یک واقعیت تاریخی، نوعی برنامه درسی تمدنی نیز به‌حساب می‌آید؛ برنامه‌ای زنده و پویا که در آن ارزش‌ها، الگوهای زیست جمعی و شیوه‌های مواجهه با بحران‌ها طی قرن‌ها در بطن جامعه شکل‌گرفته و بازتولید شده‌اند؛ لذا مرور رفتارها، عملکرد و دستاوردهای ما در وضعیت کنونی، فرصتی مناسب برای بازاندیشی در برنامه درسی نیز فراهم می‌آورد.

امروز، پس از گذشت یک ماه از این نبرد، به برکت خون شهدا، دشمن به‌طور علنی و صریح اهداف خود را از این جنگ بیان می‌کند. هدف دشمن به اقرار خود او تسلط بر منابع ایران است. پس بر خلاف تصور ابتدایی برخی از مردم، جبهه مقابل دشمن، ایران و ساکنان آن است نه جمهوری اسلامی؛ به تعبیر رهبر شهید انقلاب (رضوان‌الله تعالی علیه) «آمریکا می‌خواهد ایران را ببلعد». از این‌رو، در کنار تثبیت «توان بازدارندگی» بی‌بدیل ایران در برابر پیشرفته‌ترین قدرت‌های نظامی جهان، باارزش‌ترین دستاورد نبرد رمضان، فرصت اصلاح خطاهای تحلیلی برای برخی از افراد سطحی‌نگر است. برخی از این موارد عبارتند از؛ ترس از هیبت پوشالی آمریکا، باور به حسن نیت آمریکا در مذاکرات، سبک توسعه در کشورهای حاشیه خلیج فارس، شکل‌گیری محور مقاومت و آینده آن، ضرورت توجه به موضوع تقویت بنیه دفاعی بومی و در راس آن توان موشکی کشور، عیان‌شدن پاره‌ای از دستاوردهای این حوزه که تا امروز به دلیل پاره‌ای ملاحضات قابل طرح نبوده است، و ....

. در این ارتباط از همه فعالان فرهنگی دعوت می‌شود با بهره‌گیری از فرصت جهاد تبیین ایجاد شده، رسالت خود را به درستی ایفا کنند.

آقای دکتر مهدی صالحی
شورای راهبردی اندیشکده استان کردستان

حمله به آثار و ابنیه تاریخی و اماکن باستانی، به‌ویژه در مناطق دارای غنای فرهنگی مانند کردستان، فراتر از یک اقدام نظامی است و در تحلیل‌های راهبردی و جامعه‌شناختی می‌توان ریشه‌های آن را در چند محور اساسی جست‌وجو کرد

۱. ضربه به هویت ملی و حافظه تاریخی

آثار باستانی و ابنیه تاریخی، شناسنامه و ریشه‌های یک ملت هستند. حمله به این مکان‌ها در واقع تلاشی برای «ترور هویت» است. وقتی دشمن به جای مراکز نظامی، به تاریخ یک کشور حمله می‌کند، هدفش این است که پیوند نسل‌های جدید را با گذشته افتخارآمیزشان قطع کند. آن‌ها می‌خواهند ملت را از نظر روانی بی‌ریشه کنند تا پذیرش سلطه فرهنگی و سیاسی در آینده آسان‌تر شود.

۲. تخریب انسجام ملی و تنوع فرهنگی

مناطقی مانند کردستان، با دارا بودن آثار باستانی شکوهمند، نماد پیوند عمیق میان اقوام مختلف ایرانی و تاریخ کهن این سرزمین هستند. حمله به این نقاط با هدف ایجاد شکاف ملی صورت می‌گیرد. دشمن گمان می‌کند با آسیب زدن به میراث فرهنگی یک منطقه خاص، می‌تواند احساس تبعیض یا ناامنی را در میان اقوام برانگیزد، در حالی که این اقدامات معمولا نتیجه عکس داده و منجر به «همبستگی ملی» بیشتر، برای حفظ میراث مشترک می‌شود.

۳. تضعیف روحیه و جنگ روانی

اماکن گردشگری و تاریخی نماد آرامش، تمدن و حیات یک جامعه هستند. حمله به این مراکز در جریان درگیری‌ها (مانند جنگ رمضان یا تنش‌های اخیر) پیامی رعب‌آور برای غیرنظامیان دارد. دشمن سعی می‌کند با تخریب آنچه برای مردم عزیز و مقدس است، حس «بی‌پناهی» و «ناامیدی» ایجاد کند تا اراده ملت برای ایستادگی سست شود.

۴. نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و گردشگری

بسیاری از این ابنیه، قطب‌های گردشگری و منبع درآمد مردم بومی هستند. تخریب آن‌ها در واقع نوعی «تروریسم اقتصادی» است تا زیرساخت‌های معیشتی مردم در مناطق مرزی و باستانی آسیب ببیند و روند بازسازی و توسعه کشور در دوران پس از بحران با کندی مواجه شود.

۵. انتقام از ایستادگی

وقتی دشمن در جبهه‌های نظامی و سیاسی با سد محکم ایستادگی ملت و رهبری رو به رو می‌شود، به «اهداف نرم» روی می‌آورد. تخریب تاریخ، انتقام از ملتی است که حاضر نشده هویت و استقلال خود را معامله کند. آن‌ها به چیزی حمله می‌کنند که می‌دانند نزد ایرانیان از احترام بالایی برخوردار است.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره نهم

روزنامه‌الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانون‌گذاری‌های استانی

۲۲ فروردین ۱۴۰۵
۲۲ شوال ۱۴۴۷
۱۱ آوریل ۲۰۲۶
شماره نهم

تحلیل راهبردی جنگ تحمیلیِ آمریکا و رژیم صهیونی در ایران

آقای دکتر قباد میمنت آبادی، عضو شورای راهبردی اندیشکده استان کردستان

آمریکا و رژیم صهیونی در یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار، تمامی جنایت‌های ممکن را علیه ما به کار بستند؛ از شهادت ناجوانمردانه رهبر فرزانه انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای، تا ترور فرماندهان بلندپایه، زنان و کودکان، بمباران زیرساخت‌های مختلف و به خاک و خون کشیدن غیرنظامیان، حمله به مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاه ها، از هیچ جنایتی کوتاهی نکردند. اگر پیروزی در جنگ به این معنا باشد که دشمن پیروز شده است، اما پیروزی در جنگ را منوط به تحمیل اراده از قبل تعریف شده می‌دانند، اینکه ایران تسلیم شود که به حول و قوه الهی، عکس آن رقم خورده است.

آنچه دشمن آمریکایی - صهیونیستی، درست پیش بینی و بررسی نکرده، اراده قوی و مستحکم ایران عزیز در دو جبهه میدان؛ توسط نیروی مسلح و خیابان، توسط نیروی مردمی بود.

در این جنگ، ما نه فقط ضربات سنگین دشمن را تحمل کردیم، بلکه با اجرای راهبرد هوشمندانه و نامتقارن، ارکان نفوذ آمریکا در منطقه را متلاشی کرده و پیروزی را در میدان‌های پنهان و آشکار نبرد به دست آوردیم.

پیروزی ما در این جنگ را نباید با معیارهای متعارف نظامی سنجید. ایران نشان داد کشوری که تحریم، ترور و بمباران، در تاریخش نهادینه شده است، با «سلاح مقاومت» می‌تواند فشار را به هزینه‌ای غیرقابل تحمل برای دشمن تبدیل کند.

ایران در چهار سو دشمن را به ورطه هلاکت و نابودی کشانده است؛

نخست، نابودکردن توان پدافندی آمریکا و رژیم صهیونی و وارد کردن خسارت مستقیم، به ویژه به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس که نماد برهم‌ریختن معادله امنیت یک‌سویه تک قطبی کدخدای جهان در منطقه بود.

دوم، ایجاد شکاف عمیق میان آمریکا و متحدان عربش؛ به‌گونه‌ای که کشورهای خلیج فارس دریافتند واشنگتن در لحظه حساس، امنیت رژیم صهیونی را بر متحدان منطقه‌ای خود ترجیح می‌دهد و حتی با جمع آوری مهمات از اوکراین، کره و سایر نقاط، بقیه متحدان هم این مفهوم را درک کردند.

سوم، تهاجم اقتصادی ژئوپلیتیکی از طریق کنترل مقتدرانه تنگه هرمز و هدف قرار دادن زیرساخت‌های مختلفی که ردی از منافع ایالات متحده داشتند، نشان داد آمریکا قادر به تأمین امنیت منطقه تحت رهبری خود نیست.

چهارم؛ حضور مستمر و آگاهانه مردم در تقویت اراده نظامی و گسیل اراده الهی به بدنه نظامی و ایجاد هم آوایی و انسجام داخلی، در آحاد گروه های اجتماعی از هر طیف و رنگ نشان داد این برای آمریکا غیر قابل نفوذ است.

علاوه بر این، دشمن با راهبرد «قطع سر» دچار پارادوکسی شد که خودش ساخته است، آغاز جنگ با ترور و شهادت امام امت و فرماندهان عزیزمان، گذشتن آب از سر بود، دشمن، دیگر تمام گزینه‌ها را استفاده کرده و امروز گزینه‌ای روی میز ندارد و نیز ما دیگر احتیاط پیشین، برای مواجه نشدن با گزینه‌های روی میز را نداریم؛ لذا جنگ را تا رفع کامل سایه جنگ با نابودی دشمن و بیرون راندنش از منطقه ادامه خواهیم داد.

اما حضور شجاعانه، آگاهانه و مستمر مردم ایران در لحظات حساس، در خیابان‌ها و محلات ضمن ارتقا تاب آوری اجتماعی، در کنار نیروی مسلح، ثابت کرده که ایران عزیز و قوی در معادلات جدید منطقه نه تنها تماشاگر نیست، بلکه بازیگر اصلی تثبیت نظم امنیتیِ عاری از سلطه آمریکا و استکبار بوده و قطعا از مؤثرین نظم نوین جهانی خواهد بود.

تحلیل جنگ رمضان در استان کردستان

نگارنده: حامد قادرزاده اندیشکده حمرانی و قانون‌گذاری استان کردستان

جنگ رمضان ۱۴۰۴ از نقطه نظرهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی قابل تحلیل است. در این تحلیل به مزایا و آسیب‌های ناشی از آن در بعد استانی و تا حدی ملی پرداخته می‌شود. شاید یکی از سئوالات قبل از ارایه تحلیل به مزایا وارد آید. این که آیا این جنگ دارای چه مزیت یا مزایایی است که این تحلیل به آن می‌خواهد بپردازد و چگونه به آن پرداخت؟ در ادامه به معرفی مزایا و معایب و همچنین تهدیدها و فرصت‌های به اختصار پرداخته می‌شود.

-حوزه سیاسی

اکثر استان‌های مرزی و به ویژه استان کردستان دارای ویژگی‌های خاص قومی، مذهبی و فرهنگی است و همین باعث شده است تا در جریانات خاص ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. اما این توجه بیش از آن که از داخل کشور و از سوی سیاست‌گزاران و تصیم‌گیران و مجریان کشور باشد مورد توجه بازیگران خارجی و به طور ویژه کشوری مانند آمریکا و کشورهای اروپایی قرار دارد؛ به طوری که این توجه نه فقط مقطعی نیست بلکه دایمی بوده و همواره سعی در شناسایی تغییرات حاکم بر آنها داشته و در هر مقطعی از متغیرهای موجود در آنها به صورت ترکیبی و با شدت متفاوت هر یک از آنها استفاده می‌کند. نکته حایز اهمیت این نوع استفاده تنوع حاکم بر آن، با تاکید بر تفاوت‌های نسلی، شهری و روستایی، سطح تحصیلات، شاغل و غیرشاغل در بخش‌های دولتی و سطوح مختلف دانش سیاسی و... است. بر اساس این تفاوت‌ها خوراک‌های مختلف سیاسی برای آماده نمودن گروه‌های مختلف برشمرده در این بخش جهت مقابله با دولت مرکزی و همراهان دولت مرکزی در داخل استان با هدف حفظ این دو نوع تقابل، تهیه و عرضه می‌گردد. ارزیابی جریانات پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شعارهای مختلف خاص آن دوران در استان و سایر مناطق مشابه، دوران جنگ تحمیلی، موضوعات پس از انقلاب فرهنگی، پسا انتخابات ریاست جمهوری دولت نهم، جریانات ۱۴۰۱، دیماه ۱۴۰۴ و جنگ رمضان نشان می‌دهد نوع عمل و واکنش استان کردستان متفاوت‌تر از سایر مناطق کشور بوده است. در این مقاله تاکید بر این تفاوت در واکنش‌های مختلف در کشور با استان کردستان می‌گردد.

حملات آغاز جنگ رمضان در استان کردستان اگر چه با شدت نسبتا غیرقابل انتظار همراهان داخلی شبکه‌های معاند همراه بود اما تلاش شد که برای حمله به هر یک از مناطق مورد هدف دلیلی ظاهرا قانع‌کننده برای آنان ارایه دهند. برای مثال حمله به مناطق انتظامی، ادارات اطلاعات، قرارگاه‌ها و...

از آن جا که دشمن می‌داند اکثر سکونت‌گاهای استان‌های قومی دارای ویژگی اسکان فامیلی و آشنایی با یکدیگرند، تلاش می‌نماید این پیام را به آنان بدهد که برای مصون ماندن از آسیب جنگ باید کسی را از نیروهای منتصب به دولت و نظام، حتی در روستاها، به درون منطقه خود راه ندهند. از طرفی این افراد دانش به مراتب کمتری نسبت به مسایل جنگ و نکات امنیتی دارند بنابراین در مکالمات روزمره و انتقال پیام به همدیگر مراعات و ملاحظات آن چنانی ندارند.

از سوی دیگر این افراد اقلیت جامعه نیستند بلکه اکثریت جامعه خود هستند و به لحاظ مالی هم در شرایط مناسبی نیستند. در نتیجه هم چندان نگران مسایل پس از جنگ نسیتند و هم به راحتی می‌توانند در ازای دریافت‌های اندک به خبرچین تبدیل گردند. آن چه که نگارنده بر آن داشت که این تحلیل را ارایه دهد آماده نمودن این سوال است که آیا شیوه مدیریت این موضوع باید مانند استان‌هایی مانند اصفهان، آذربایجان شرقی، تهران و... باشد و با برگزاری تجمعات در میادین شهرها مشکل مدیریت می‌شود؟ به نظر نگارنده پاسخ منفی است. چون ارزیابی تجمعات در شهرهای استان کردستان متاسفانه نه فقط نتیجه مطلوبی مانند سایر استان‌ها نداشته بلکه بسیار محدود از نظر تعداد و محدود تعدادی افراد شده که اساسا از ساکنین دایمی آن شهر نبودند و از شهروندان سایر شهرهای استان هستند که شاغل در بخش دولتی و نهادهای نظام هستند و بر خلاف مردم استان کردستان که جز برای مهمانی، با اعضای خانواده حضور می‌یابند.
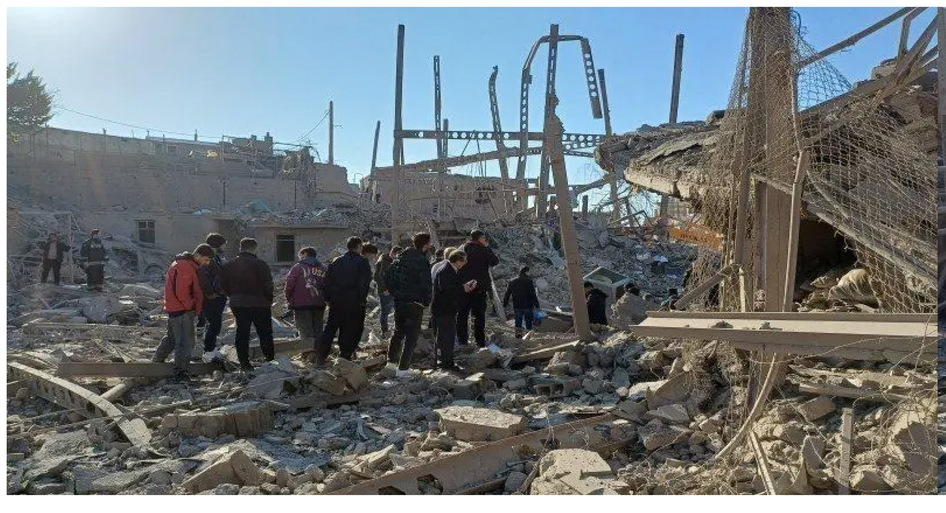
نکته دیگری که نباید نادیده گرفته شود وجود ارتباط فامیلی مردم استان با اقلیم کردستان عراق و همچنین وجود ارتباط برخی از افراد با گروه‌های مخالف نظام و مستقر در اقلیم و کشورهای اروپایی است و دریافت جنگ از این مبادی بیشتر منشا می‌گیرد و شاید به همین دلیل است که مخاطبین رسانه‌های معاندی مانند ایران اینترنشنال حتی بیشتر از بی‌بی‌سی و صدای آمریکا در استان کردستان و به ویژه شهرستان‌های مرزی بیشتر است.